پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۲، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صص ۲۹-۴۹ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 52, Spring & Summer 2026

نقد قرائت فرقه ذکریه در مورد قرآن با تأکید بر ادعای تحریف و علم تأویل

هادی زینی ملک‌آباد[۱]، عبدالواحد بامری[۲]، سید زین‌الدین سجادی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶)

چکیده

فرقهٔ موسوم به «ذکریه» به‌عنوان جریانی مرزی میان تفکرات صوفیانه، اسماعیلیه و گرایش‌های نوینی از دین‌ورزی شناخته می‌شود؛ ادعاهای این گروه دربارهٔ ساختار و تفسیر قرآن (از جمله افزودن جزئیات و ادعای «علم تأویل» برای فردی مشخص) پرسش‌های اعتقادی و متنی مهمی ایجاد کرده است. این پژوهش با هدف واکاوی نقادانهٔ ادعاهای ذکریان دربارهٔ افزایش تعداد جزءهای قرآن و مدعای علم تاویلِ «محمد مهدی اتکی» و بررسی سازگاری این اندیشه‌ها با آموزه‌های قرآنی و معارف اهل‌بیت (ع) انجام شده است. روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و اسنادی است؛ داده‌ها از طریق تحلیل متنی آیات مورد استناد ذکریان، منابع فرقه‌ای مربوط و متون معیار قرآنی ـ روایی گردآوری و به‌صورت مقایسه‌ای و استنتاجی بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که استدلال‌های ارائه‌شده توسط پیروان ذکریه برای توجیه «اضافه‌کردن جزء» و «ادعای علم تأویل» بر پایهٔ تفسیرهای زمینه‌مند و گزینشی است و با آموزه‌های صریح قرآن و اقوال منقول از اهل‌بیت (ع) ناسازگاری‌های جدی دارد. اندیشه‌های ذکریه در موضوعات مورد بررسی هم‌سویی قابل‌قبولی با مبانی رسالتی و متنی اسلام ندارد؛ بررسی‌های بیشتر سندشناسانه و تاریخی برای آشکارسازی ریشه‌ها و مسیر شکل‌گیری این ادعاها توصیه می‌شود.

کلید واژه‌ها: قرآن، ذکریه، محمد اتکی، تأویل، عدم تحریف.

۱. استادیارگروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان. ایران. (نویسنده مسئول)؛ zeini@theo.usb.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران؛ bameri.1399@staff.usb.ac.ir

۳. مدرس دانشگاه ولایت ایرانشهر، ایران؛ zen.sajjad.i@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

۱. بیان مساله

فرقه ذکریه یکی از جریان‌هایی است که در حوزه نگرش به قرآن، ادعاها و باورهای ویژه‌ای مطرح کرده است؛ از جمله اعتقاد به چهل‌جزئی بودن قرآن و معرفی فردی به نام «محمد مهدی آتکی» به‌عنوان صاحب «علم تأویل». این فرقه در قرن نهم هجری توسط سید محمد جونپوری در هندوستان بنیان‌گذاری شد. وی در کودکی حافظ قرآن گردید و در نوجوانی به فراگیری علوم دینی پرداخت. پس از سفر حج، خود را «مهدی موعود» معرفی کرد و برخی از مردم دعوت او را پذیرفتند.

پس از درگذشت جونپوری، محمد مهدی آتکی مسئولیت ترویج اندیشه‌های او را بر عهده گرفت. وی در سفرهای خود به نواحی بلوچستان ایران، با گروه‌هایی از باطنیان و اسماعیلیان ارتباط برقرار کرد و باورهای مشترک آنان زمینه شکل‌گیری جریانی با دیدگاه‌های خاص را فراهم ساخت (سرافرازی، ۷۴). آموزه‌های ذکریه در حوزه‌هایی همچون نماز، حج، قبله و مسئله ظهور، با دیدگاه‌های رایج مسلمانان تفاوت‌های اساسی دارد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که نگرش فرقه ذکریه نسبت به قرآن، ساختار آن و شیوه تأویل آیات، تا چه اندازه با مبانی تفسیری و اعتقادی اسلام سازگار است و چگونه با آموزه‌های رایج اسلامی تفاوت دارد؟

۲. مقدمه

مقدمه پژوهش حاضر در ۴ محور اساسیِ اهمیت و ضرورت، پیشینه و نوآوری، روش تحقیق و مفاهیم نظری قابل طرح است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

قرآن کریم، به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی، مأموریت هدایت و کمال انسان‌ها را بر عهده دارد و آموزه‌های آن در طول تاریخ همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

قرار گرفته است. ویژگی‌های شاخص این کتاب شامل جاودانگی، بی‌زمانی و مصونیت از تحریف است؛ چنان‌که قرآن خود را «قول فصل» معرفی می‌کند: «إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ» (الطارق، ۱۳) و تأکید می‌کند که «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت، ۴۲). این ویژگی‌ها، قرآن را به مرجعی معتبر برای فهم حقایق دینی و معیار سنجش درست از نادرست تبدیل کرده است.

با این حال، برخی جریان‌ها و فرقه‌ها در طول تاریخ، برداشت‌ها و تفاسیر خاصی از قرآن ارائه کرده‌اند که با آموزه‌های مرسوم اسلامی متفاوت است و نیازمند بررسی علمی و انتقادی است. پژوهش حاضر با تمرکز بر نگرش فرقه ذکریه، تلاش می‌کند این آموزه‌ها و باورهای ویژه آنان درباره قرآن را تحلیل نموده و چارچوبی روشن برای تبیین جایگاه این باورها در متن و سنت اسلامی ارائه دهد.

۲-۲. پیشینه پژوهش و نوآوری تحقیق

خاستگاه فرقه ذکریه در شبه‌قاره هند است و همین امر سبب شده است که بخش عمده منابع مطالعاتی در این حوزه به زبان‌های اردو و انگلیسی منتشر شود. در منابع فارسی، تحقیقات اندکی به معرفی تاریخچه، مناطق حضور و باورهای دینی پیروان ذکریه پرداخته‌اند. این محدودیت زبانی و محتوایی، ضرورت بررسی نظام‌مند و علمی این فرقه را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در میان منابع موجود، محمد اسعدی در کتاب «بررسی اجمالی فرقه ذکریه» به برخی از اعتقادات و آموزه‌های این گروه اشاره کرده است. همچنین کتاب‌هایی به زبان اردو مانند «ذکری مسئله یا ذکری فرقه کی تاریخ و ذکری مذهب اسلام کی آینه مین» به تشریح تاریخ و ویژگی‌های فرقه ذکریه پرداخته‌اند. منابع فارسی دیگری همچون «زمینه‌های عمومی مذهب ذکریسم به مثابه صوفی‌گری عامیانه در بلوچستان» و «بررسی اندیشه‌ها و مسیر تاریخی فرقه ذکریه» نیز بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و اجتماعی این جریان تمرکز داشته‌اند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

از دیگر منابع مهم، کتاب «سفرنامه مهدی» است که توسط ملامیرزا اعـوامرانی بـه اردو ترجمه شده و برای شناخت باورهای مذهبی و مناسک عبادی ذکریان مورد اسـتفاده قـرار گرفته است. افزون بر کتاب‌ها، برخی مقالات حوزه علوم انسانی نیز به معرفـی خاسـتگاه، ویژگی‌ها و اعتقادات فرقه ذکریه پرداخته‌اند.

با این حال، بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که بسیاری از پـژوهش‌هـا یـا متـأثر از پیش‌داوری‌ها و تعصبات مذهبی بوده‌اند یا به توصیف تاریخی بسنده کـرده و فاقـد تحلیـل انتقادی دیدگاه‌های قرآنی ذکریه هستند. تاکنون پژوهشی جامع به زبان فارسی که بـه‌طـور نظام‌مند به نقد و بررسی نگرش این فرقه نسبت به قرآن بپردازد، انجام نشده است. ازاین‌رو، تمرکز پژوهش حاضر بر تحلیل و نقد دیدگاه‌های ذکریه درباره قـرآن، بـه‌عنـوان نـوآوری اصلی این تحقیق به‌شمار می‌آید.

۲-۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی–تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه منابع مکتوب مرتبط با فرقه ذکریـه، اسـتفاده از آثـار درون‌فرقـه‌ای، تحقیقـات میـدانی و مصاحبه با برخی بزرگان این فرقه گردآوری شده است. در تحلیل داده‌ها، تلاش شده است بدون پیش‌داوری یا تعصب مذهبی، نگرش ذکریان نسبت به قـرآن اسـتخراج و سـپس بـر اساس معیارهای قرآنی و تفسیری نقد و بررسی شود.

۲-٤. مفاهیم نظری

بررسی فرقه‌های دینی نوپدید، مستلزم توجـه هـم‌زمـان بـه سـه سـطح نظـری اسـت: خاستگاه تاریخی شکل‌گیری، بستر اجتماعی و جغرافیایی گسترش، و سـاختار اعتقـادی و شعائری آن‌ها. این چارچوب تحلیلی امکان می‌دهد تا تحـولات یـک جریـان مـذهبی نـه صرفاً به‌عنوان رخدادهای تاریخی، بلکه به‌مثابه پدیده‌ای دینی–اجتماعی با منطـق درونـی خاص خود تحلیل شود. بر این اساس، در ادامه، فرقـه ذکریـه از منظـر تکـوین تـاریخی، گسترش اجتماعی و نظام اعتقادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

۲-٤-۱. خاستگاه و تکوین تاریخی فرقه ذکریه

پیدایش فرقه ذکریه را باید در بستر تحولات سیاسی ـ اجتماعی سده نهم هجری در شبه‌قاره هند تحلیل کرد. سیدمحمد جونپوری، که در کودکی حافظ قرآن و در نوجوانی آشنا با علوم دینی بود، تحت تأثیر فروپاشی حاکمیت جونپوریان و تحولات سیاسی هند، این تحولات را نشانه فرجام تاریخ تلقی کرد و در همین زمینه ادعای مهدویت نمود. وی پس از عزیمت به مکه و دعوت مردم به این ادعا، در بازگشت به احمدآباد، اندیشه‌های خود را گسترش داد و با واکنش‌های موافق و مخالف در جامعه مواجه شد. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که پس از وفات او، پیروانش دچار پراکندگی شدند.

در این میان، «ملا محمد آتَکی» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چهره‌های پساجونپوری، نقش تعیین‌کننده‌ای در تداوم و بازتولید اندیشه‌های ذکریه ایفا کرد. حضور او در نواحی بلوچستان ایران و تعامل با باطنیان و اسماعیلیان این منطقه، زمینه تلفیق باورهای ذکریه با آموزه‌های باطنی را فراهم ساخت و به شکل‌گیری قرائتی جدید و متمایز از این فرقه انجامید (سرافرازی، ۷۴). بر این اساس، اگرچه جونپوری را می‌توان بنیان‌گذار اولیه ذکریه دانست، اما تثبیت آموزه‌ها و بروز نوآوری‌هایی چون نسخ برخی شعائر، تصور قرآن جدید و تأویلات خاص، بیش از همه به دوره محمد آتکی بازمی‌گردد.

۲-٤-۲. ذکریه در ایران: بستر جغرافیایی و تحولات اجتماعی

گسترش ذکریسم در ایران، به‌ویژه در منطقه مکران و بلوچستان، در پیوند مستقیم با ساختارهای قبیله‌ای و تحولات قدرت محلی قابل فهم است. این فرقه در قرن شانزدهم میلادی در مکران شکل گرفت و در دوره حاکمیت بلیده‌ای‌ها به اوج نفوذ خود رسید. پیوستن برخی حکام محلی، از جمله ابوسعید بلیدی، به این فرقه، موجب تقویت جایگاه سیاسی و اجتماعی ذکریان شد (عبدالغنی، ۲۷). همچنین حمایت خاندان‌های گیچکی و چهره‌هایی چون میرچاکر و میرگوهرام در گسترش ذکریسم در بلوچستان نقش مؤثری ایفا کرد (سجادی، ۴۶). بلیده‌ای‌ها

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

که از عمان به مکران مهاجرت کرده بودند، بر مناطقی چون کیچ، قصرقند، نیکشهر و برینجگور تسلط یافتند و شهر پنجگور، به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم و کهن مکران، نقش مؤثری در تحولات اجتماعی و مذهبی منطقه ایفا کرد (صفرزایی، ۴۶). این بستر جغرافیایی و قبیله‌ای، زمینه مناسبی برای گسترش ذکریسم در بلوچستان فراهم ساخت.

تحولات قرن بیستم، به‌ویژه سرکوب‌های سیاسی و ناامنی‌های اجتماعی، موجب پراکندگی ذکریان و مهاجرت بخشی از آنان به مناطق تحت نفوذ انگلیس و سپس به پاکستان شد (هوشنگ، ۲۲۱). در وضعیت کنونی، پیروان این فرقه به‌صورت پراکنده در مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان، به‌ویژه کیشکور، سرباز و دشتیاری، و نیز در شهرهایی از پاکستان سکونت دارند.

از منظر جامعه‌شناختی، ذکریان به سه طیف قابل تقسیم‌اند: ذکریان سنتی، که بر هویت بومی و آیین‌های محلی تأکید دارند؛ ذکریان میانه‌رو، که می‌کوشند میان ذکریسم بلوچستان و مهدویسم هند پیوندی تاریخی برقرار کنند؛ و ذکریان تجددگرا، که با نقد سنت‌های پیشین، در پی بازخوانی آموزه‌های ذکریه و نزدیک‌سازی آن به شریعت اسلامی هستند (بدل‌خان، ۴۵؛ هوشنگ، ۳۰). این تقسیم‌بندی نشان‌دهنده پویایی درون‌فرقه‌ای و واکنش ذکریسم به تحولات فرهنگی و اجتماعی معاصر است.

٤-۲-۳. ساختار اعتقادی و شعائر دینی ذکریان

فرقه ذکریه، با وجود معرفی خود به‌عنوان بخشی از اسلام، در حوزه‌های بنیادین اعتقادی و شعائری، قرائتی متفاوت از آموزه‌های رایج اسلامی ارائه می‌دهد. خاستگاه این فرقه در شهر «تُربَت» در منطقه مُکرانَ بلوچستان در قرن دهم هجری است که سپس به مناطق دیگر از جمله بلوچستان ایران توسعه یافته است (شودری، ۱۲۰) این فرقه یکی از دو فرقه خطر ساز برای اسلام معرفی شده است که از هند برخاسته و در بلوچستان رشد یافته و قوت گرفته است. در کانون این نظام اعتقادی، شخصیت محمد مهدی اتکی قرار

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

دارد که به عنوان مؤسس این فرقه تنزیه و تقدیس شده است (نـدوی، ۵۳/۳) نسـبت اتکـی منسوب به شهر اَتک در ولایت پنجاب پاکستان است (شودری، ۱۲۰) این فرقه بر ایـن بـاور است که بعد از هزار سال نظام دینی ای که پیامبر اسلام آورده خاتمه یافته و نظـام جدیـد بـه رهبری محمد مهدی اتکی تأسیس شد است (لاریمر، ۲۰۷/۱) که در برخی دیدگاه‌ها به‌عنوان پیامبر یا خاتم پیامبران تلقی شده و شریعت او جایگزین شریعت پیـامبر اسـلام(ص) دانسـته می‌شود (شوهاز، ۳۴؛ سرافرازی، ۶۴). بر این اساس، ایمان به محمـد مهـدی شـرط نجـات معرفی می‌شود و انکار او با کفر هم‌سنگ دانسته شده است. محمـد مهـدی بـر تمـامی انبیـاء ترجیح داده شده است و از پیامبر اسلام(ص) با فضیلت تر قلمداد شده است(ندوی، ۵۴/۳).

کلمه شهادتین از نظر آنها کلمه‌ی لااله‌الاالله، نور پاک، نور محمد، مهدی رسول الله است. محمد مهدی اتکی تنها سبب آفرینش جهان است. محمد مهدی اتکی نماز را منسوخ اعـلام کرد و به جایش آنها را به انجام ذکر ملزم کرد، دارای اوقاتی برای گفتن ذکر هستند، بـرای خانه خدا اهمیتی قائل نیستند و قبله ندارند، حکم روزه جز ده روز اول ذی‌الحجه منسوخ است، برخی از مکانهای مقدس آنها کوه مراد در شهر تربت ایالت بلوچسـتان پاکسـتان کـه مکانی برای طلب شفاعت است، دورود شیر، رودی اسـت در منطقـه‌ی مکـران بلوچسـتان پاکستان که مانند آب زمزم برای آن ها مقدس است، کوه امام در جنوب فرودگاه تربیت و میدان گِل که در شهر تربت واقع شده و مکانی چونان عرفات است که برای دعا به انجا می روند و... (شودری، ۱۴۰–۱۶۵؛ حیدری نسب، ۳۷۴)

در حوزه قرآن و تفسیر، ذکریان تنها تفسیری را معتبر می‌دانند کـه منسـوب بـه محمـد مهدی یا جانشینان او باشد و بر این باورند که علم تأویل به‌صورت انحصاری در اختیار او قرار داشته است (آسیابادی، ۳۰/۲). این نگرش، مبنای بـازتعریف شـعائر دینـی نیـز قـرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که نماز با «ذکر» جایگزین شده، زکات کاهش یافته، حج منسـوخ و زیارت کوه مراد جانشین آن گردیده و روزه رمضان جای خود را به ایام خاصی داده است (لدهیانوری، ۱۸۹).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

در اندیشه ذکریه، امامت نیز جایگاهی محوری دارد. امام به‌عنوان جانشین پیامبر، واجد بالاترین مراتب ایمان و هدایت‌گری معرفی می‌شود و نقش او فراتر از رهبری دینی، شامل هدایت مادی و معنوی جامعه است (دهواری، ۱۰۰). مجموعه این باورها نشان می‌دهد که ذکریسم، نظامی اعتقادی مبتنی بر نوآوری دینی و بازتعریف مفاهیم کلیدی اسلام است که مشروعیت خود را از محوریت محمد مهدی و علم تأویل او اخذ می‌کند.[۱]

۳. قرآن و فرقه ذکری‌ها

در این بخش دیدگاه ذکریه در مورد قرآن مطرح و سپس نقد و ارزیابی می‌شود.

۳-۱. دیدگاه ذکریه در مورد قرآن

از منظر ذکریان، قرآن دارای ۴۰ جزء است که ۱۰ جزء آن را محمد مهدی انتخاب کرده است. یکی از نویسندگان ذکری بر این عقیده است که محمد اتکی در موارد فراوانی مدعی شده است که قرآن ۴۰ جزء دارد و خداوند بر ایشان حکم کرده است همان اندازه که شما می‌خواهید از فرقان حمید بردارید، بنابراین من ده جزء را که اسرار خداوندی بوده برداشتم این ده جزء مغز قرآن حکیم بوده است.

سی جزء را برای اهل ظاهر رها کرده و آن ده جزء دیگر که برهان یا کنزاسراء نیز گفته می‌شود و تأویل و تفسیر سی جزء دیگر قرآن به زبان سیدمحمد جونپوری ظاهر شده است و کنزالاسراء نزد خاص امت قرار داده شده می‌شود (لاری، ۹).

ذکری‌ها بر این باور هستند که محمد مهدی صاحب علم تأویل است و مفهوم حقیقی دریافت کلام الهی را کشف نموده است و دوران ملامحمد اتکی عصر کشف حقایق درونی است این اعتقاد تأویل را تمامی ذکری‌ها پذیرفته‌اند (آسیابادی، ۸۵/۲).

برخی از آیات قرآن را که برخلاف مبانی اعتقادی دین اسلام است تأویل می‌کنند به

---

۱. برای آگاهی تفصیلی از عقاید ذکریه نکـ: شودری، ۱۲۰-۱۷۰.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

شرح ذیل گزارش می‌شود:

- آیه «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (الاحزاب، ۴۰).

مقصود از «محمد» در آیه محمد مهدی اتکی است.

- آیه «فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» (التوبه، ۲۴)

مراد از «امرالله» مهدی است.

- آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» (العصر، ۳).

منظور از «الذین آمنوا» افرادی هستند که به محمد اتکی ایمان آورده‌اند (بجارانی، ۶).

- آیه «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ...» (النور، ۳۵).

واژه «نوره» مراد از آن مهدی پاک نور محمد صاحب زمان است. (آسیابادی، ۵۰).

- آیه «عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا» (الاسراء، ۷۹)

مراد از «مقام محمود» در آیه کوه مراد است (بجارانی، ۳۰).

با توجه به داده‌های فوق، می‌توان دریافت که قرائت ذکریان از قرآن نه صرفاً نوعی تفسیر یا برداشت خاص، بلکه تلاشی برای بازتعریف ساختار و معناشناسی متن وحی است. این قرائت، با افزودن ده جزء خیالی و تأویل آیات به شخصیت های تاریخی و جغرافیایی خاص، در واقع به بازسازی «نظام معنایی» قرآن بر اساس تجربه عرفانی و هویت درون فرقه ای می‌انجامد. از منظر علوم قرآنی، چنین تلقی‌ای نوعی «تأویل انفسی» و غیرمعتبر است که مرز میان نص الهی و برداشت بشری را مخدوش می‌کند.

در این خوانش، مفاهیم کلیدی قرآن مانند «محمد»، «امرالله»، «نور» و «مقام محمود» از معنای جهان شمول خود تهی شده و به مصادیق محلی و شخصی چون «محمد مهدی اتکی» یا «کوه مراد» فروکاسته می‌شوند. این فرآیند، در واقع نوعی «شخصی‌سازی وحی» است که با مبانی الهیاتی اسلام ناسازگار است؛ زیرا قرآن را نه کلام عام خداوند برای همه انسان‌ها، بلکه سندی رمزی برای گروهی خاص معرفی می‌کند.

از منظر معرفت شناسی دینی، چنین رویکردی به تأویل، از حدود تفسیر روشمند خارج

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

می‌شود و به عرصه تجربه باطنی و ادعای الهام می‌لغزد؛ جایی که مبنای داوری عقل، نقل و سنت معتبر کنار گذاشته می‌شود. این نوع تأویل‌گرایی، مشابه جریان‌های باطنی تاریخی مانند اسماعیلیه و نصیریه است که با تفسیرهای رمزی و غیرمستند، ساختار تعلیمی دین را از درون تهی کرده‌اند.

در نتیجه، می‌توان گفت تأویل ذکریان نه تنها تحریف در معنای قرآن بلکه گسستی معرفتی از سنت تفسیری اسلام است؛ زیرا در آن، مرجعیت علمی پیامبر و اهل بیت(ع) کنار نهاده شده و جای آن را مدعیان مکاشفه و علم لدنی گرفته‌اند.

۳-۱-۱. ارزیابی دیدگاه ذکریان

قرآن مورد قبول تمامی مذاهب اسلامی و از منابع مشترک معرفتی جهان اسلام به شمار می‌رود. در خصوص بهره‌مندی از معارف این کتاب آسمانی و روش فهم تعالیم حیات بخشی آن اختلاف دیدگاه‌هایی وجود دارد؛ پیروان فرقه ذکریه بر خلاف اجماع مسلمانان، اندیشه‌های آنان موجب تحریف لفظی و معنوی قرآن است.

ذکری‌ها معتقدند که قرآن دارای ۴۰ جزء می‌باشد با این توضیح علاوه بر این‌که ۳۰ جزء قرآن دارد ۱۰ جزء دیگر در اختیار ذکریان می‌باشد که بر محمد اتکی نازل شده و این همان تحریف لفظی قرآن است.

در تحریف معنوی ذکری‌ها مدعی هستند آیات قرآن که نام پیامبر اکرم(ص) در قرآن آمده است مراد از آن «محمد اتکی» بوده‌است و در برخی از آیات منظور از «مقام محمود» کوه مراد در تربت پاکستان تفسیر شده است به دلیل اهمیت موضوع و در پاسخ و تحلیل ادعای ذکریان در ذیل به ادله تحریف‌ناپذیری قرآن اشاره می‌گردد:

الف. دلیل قرآن

مهم‌ترین دلیل نقلی در خصوص پیراستگی قرآن از تحریف، خود قرآن است مدعیان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

تحریف فراموش کرده‌اند که قرآن خود به صراحت، به سلامت و پیراستگی کامل خویش از هرگونه تحریف و تصرف صوری و مادی تاکید می‌نماید و چنان که از بررسی آیات آشکار خواهد شد که هیچ گونه توجیهی را برای رهیافت تحریف نمی‌پذیرد.

● **آیه حفظ** «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر، ۹).

همانا ما قرآن را فرو فرستادیم و قطعا آن را حفظ و مراقبت خواهیم کرد. مقصود از حفظ آن است که ما نمی‌گذاریم چیزی از قرآن کم و نابود شود یا فزونی در آن راه یابد. بنابراین مقصود از « انّا له لحافظون» مرحله بقا و ماندگاری ظاهر قرآن است نه محتوای آن (جوادی آملی، همتایی قرآن و اهل‌بیت، ۱۳۵).

● **آیه نفی باطل** «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلّت،۴۲)

«من بین یدیه» یعنی در زمان نزول قرآن که حضرت رسول (ص) حضور دارد در حریم قرآن بطلان راه نمی‌یابد.

«ولا من خلفه» یعنی پس از ایشان نیز بطلان امکان راهیابی به قرآن را ندارد. اگر هنگام نزول و پس از رحلت پیامبر(ص) در قرآن اشکال و شبهه راه یابد یا تحریف به فزونی یا کاستی تحقق یابد، بطلان به آن راه یافته است بنابراین «لا یاتیه الباطل» یعنی راهیابی تمام انواع باطل به حریم قرآن منتفی است (همان، ۱۳۶).

علامه خویی در تفسیر آیه مذکور معتقد است از آیه مذکور برمی‌آید که قرآن در تمام اعصار و قرون از تمام اقسام باطل که تحریف از روشن ترین اقسام باطل است منزه و پاک است و گواه براین که تحریف یکی از مصادیق و اقسام باطلی است که آیه شریفه آن را از قرآن نفی کرده این است که همین آیه قرآن را باعزت و غلبه و پیروزی وصف کرده است و مقتضای عزت هرچیزی به این است که از تغییر و ضایع شدن آن محافظت شود و اما اگر بگوییم که منظور از باطل در آیه تنها تناقض و کذب است این معنا با وصف قرآن به عزت هیچ تناسبی ندارد (خویی، ۲۸۳).

یکی از عالمان برجسته در تحلیل آیه مذکور بر نفی تحریف بر این باور است که کتاب

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

آسمانی پیوسته از حوادث در امان بوده است و مصون بودن قرآن از پیش آمدهای نادرست همواره مورد تأکید است این کتاب الهی را بطلان هرگز عارض نمی‌شود و منظور از کلید واژه بطلان، اموری است که قرآن را از اعتبار ساقط و از اصالت آن را دور می‌سازد. خداوند حکیم است و هرگز کار بیهوده انجام نمی‌دهد. خداوند حمید است بدین معنا که پیوسته کارهای او مورد ستایش و تحسین است براین اساس که قرآن از جایگاه بلندی نازل شده است آینده آن براساس منطق و پیوسته مصون از حوادث می‌باشد.

«اِنَّ الله لا یُخلف المیعاد» خداوند هرگز از وعده‌هایی‌که می‌دهد تخلف نمی‌ورزد (معرفت، ۳۸۷). مفسر مشهور دیگری بر این عقیده است که دشمنان در معارضه با قرآن کریم اقدامات فراوانی انجام داده اند،در مرحله نخست به معارضه علمی از درون قرآن اقدام نمودند و در این زمینه شبهاتی را در معارف قرآن وارد ساختند که در این عرصه ناکام شدند، در مرحله بعدی به معارضه علمی از بیرون مبادرت ورزیدند و تلاش نمودند که در عرض این کتاب الهی، کتاب یا سوره‌ها و یا یک سوره مانند آن بیاورند و برای دست یافتن به این هدف شوم تمامی ادبیان و فقهای خود را به حرکت در آوردند ولی برای آنان منفعتی نداشت. در مرحله بعدی تلاش ورزیدند به دست پیامبر اعظم(ص) قرآن را کم و زیاد کنند و آن پیامبر الهی را به افترا وادار سازند که در این مسیر به موفقیت نرسیدند و آیه ۱۵ سوره یونس شاهد صدق چنین پیشنهاد باطل و جواب قاطع برای معاندین نازل گردیده است (جوادی آملی، حقیقت و تأثیر اعجاز ،۳۳۶).

ب) دلیل روایی

در منابع دینی، احادیث فراوانی از خاندان پاک نبوی گزارش شده که احتمال شبهه تحریف را در قرآن منتفی می‌سازد پیروان مذهب شیعی بر این باورند که قرآن پیوسته از هرگونه افزایش یا کاستی در مصون بوده است که در همین عرصه به پاره‌ای از احادیث منقول از ائمه طاهرین(ع) اشاره می‌شود:

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

۱- امام باقر (ع) در نامه‌ای که به یکی از اصحاب نگاشته است این‌گونه می‌نویسد:

«و کان مِن نبذهم الکتاب اَن أقاموا حروفه و حرّفوا حدوده ...» (کلینی، ۶۲۸/۱).

در حدیثی دیگر آمده است:

«و رجلٌ قرأ القران فحفظ حروفه و ضیَّع حدوده ...» (همان، ۲۸۵)

۲- جابر از اصحاب امام محمدباقر(ع) روایت نموده که آن حضرت می‌فرماید:

«در هنگام ظهور حضرت ولی‌عصر(عج)، آن امام والامقام به مردم قرآن می‌آموزد در آن عصر مشکل اساسی ترتیب مصحف شریف است زیرا ترتیب مصحف آن حضرت با ترتیب مصحف فعلی تفاوت دارد» (مفید، ۳۶۵).

۳- روایات عرضه که از این رهنمودهای اهل‌بیت(ع) می‌توان برای پیوستگی قرآن از تحریف استدلال نمود:

امام صادق(ع): «ما اتاکم عنّا مِن حدیث لایُصدِّقه کتاب الله فهو باطل» (مجلسی، ۲۴۲/۲).

آن حضرت در حدیثی دیگر فرموده است:

«کل شی مردود الی الکتاب و السنه و کل حدیث لا یوافق کتاب الله فهو زخرف» (کلینی، ۶۹/۱).

براساس روایات مذکور، قرآن معیار باز شناخت روایات صحیح از احادیث نادرست به شمار می‌رود و معیار باید قطعی باشد و با احتمال تحریف در قرآن نمی‌توان از قرآن برای ترجیح روایات در مقام تعارض بهره جست زیرا چنین کاری به معنای استناد به «لاحجت» برای ترجیح یکی از دو روایت متعارض بر دیگری است که عقلاً قبیح است.

از روایات عرضه می‌توان نتیجه گرفت که روایات دال بر تحریف حجیت ندارد زیرا طبق روایات عرضه، وقتی روایاتی که ظاهر آنان بر تحریف دلالت دارند بر قرآن عرضه شوند مخالف آیات قرآن خواهند بود و چنان که گذشت برخی آیات به خوبی بر پیراستگی قرآن از تحریف دلالت دارند بنابراین روایات تحریف فاقد حجیت می‌باشند حتی اگر معارض هم نداشته باشند (جوادی آملی، همتایی قرآن و اهل‌بیت، ۱۴۵).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

ج) تواتر قرآن

مسلمانان اتفاق نظر دارند که صدور قرآن کنونی قطعی و به تواتر از نسل‌های پیشین به نسل‌های بعدی منتقل شده‌است و این انتقال به صورت‌های مختلف اعم از حفظ قرآن در سینه‌ها، قرائت مستمر آن، کتاب قرآن و ... انجام گرفته است براساس این تواتر مسلمانان معتقدند که مصحف کنونی بدون کم و کاست از زمان پیامبر اکرم(ص) تا امروز به دست آنان رسیده است و با وجود چنین تواتری برای شبهه تحریف جایی نمی‌ماند و باید توجه داشت که این تواتر غیر از اجماع است.

خلاصه این تواتر چنین است در تمامی عصرها و نسل‌ها، طبقات انبوهی صدور همین مصحف کنونی را از شخص پیامبر اکرم(ص) که عصمت کبری وی از هر جهت تأمین است نقل کرده‌اند و شخص آن حضرت گرچه یک نفر است ولی عصمت قاطع او یقین بخش است و چنین کتابی قطعی الصدور خواهد بود. (همان، ۹۸)

د) تجویز قرائت سوره‌های قرآن در نماز

یکی از دلایل عدم تحریف قرآن اصل مذکور است که ائمه معصومین(ع) به مسلمانان آموزش داده‌اند که در دو رکعت اول از نمازهای واجب بعد از سوره حمد یک سوره کامل را بخوانیم هم‌چنین در نماز آیات بعد از سوره یا یک سوره کامل قرائت می‌شود و یا یک سوره کامل را به پنج قسمت می‌شود و آن‌گاه قرائت می‌نماییم.

روشن است که اینها از احکام و مسائلی است که در اصل شریعت اسلام و از روزی که نماز تشریع شده وجود داشته و براساس تقیه نبوده است به دلیل آن که در آن عصر تقیه‌ای وجود نداشته است بنابراین کسانی که قائل به تحریف هستند نباید برای قرائت در نمازهای خود سوره‌هایی را برگزینند که احتمال تحریف در آن وجود دارد چون که اشتغال یقینی نیاز به برائت یقینی دارد بدین معنا که در مواردی که مکلف می‌داند از سوی خداوند تکلیف قطعی و یقینی متوجه او شده است باید آن را به گونه‌ای انجام بدهد که برای او یقین به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

برائت ذمه‌اش از آن تکلیف حاصل شود و این جز با امتثال قطعی و یقینی امکان پذیر نیست. بنابراین خواندن یک سوره کامل در نماز از سوره حمد از زمان رسول اکرم (ص) ثابت بوده و عمل کردن به آن زمان معنایش عدم وقوع تحریف در قرآن است و این استدلال اختصاصی به موضوع نماز ندارد بلکه در هر موردی که ائمه معصوم (ع) به خواندن سوره و یا آیه‌ای کامل دستور داده‌اند جاری است و همه آنها می‌توانند بر عدم تحریف قرآن دلالت کنند (خوئی، ۲۹۳).

ه) اعجاز قرآن

هر مسلمان باور دارد که قرآن، معجزه‌ی جاودانه و بی‌همتای الهی است؛ معجزه‌ای که نه‌تنها در محتوا بلکه در ساختار زبانی و معناشناختی خود، نشانه‌ای از منشأ وحیانی دارد. مؤدّب (۲۰-۲۲) با استناد به بیش از پنجاه منبع، پیشینه‌ی تاریخی و مبانی نظری اعجاز قرآن را برمی‌شمارد و یادآور می‌شود که مهم‌ترین بُعد اعجاز، فصاحت و بلاغت آن است؛ ویژگی‌ای که پیوندی ناگسستنی با لفظ و معنا دارد. قرآن کریم خود، مخالفان را به تحدّی فراخوانده و در آیات متعددی انسان را به آوردن همانند آن دعوت کرده است، اما هیچ‌کس توان مقابله با آن را نداشته است. این دعوت به تحدّی، گواهی روشن بر فرابشری بودن متن قرآن و پیوند وثیق میان ظاهر و باطن، لفظ و معناست (جوادی آملی، حقیقت و تأثیر اعجاز، ۳۳-۴۴).

براساس مبانی اعجاز، قرآن از هرگونه تحریف، کاستی یا افزونی مبراست؛ زیرا اگر در الفاظ یا معانی آن تغییر رخ دهد، ساختار معجزه گون و هماهنگی درونی آیات فرو می‌ریزد و تحدّی الهی بی‌اعتبار می‌شود. ازاین رو، هر ادعا مبنی بر حذف یا افزودن اجزاء بر قرآن، در تعارض آشکار با اصل اعجاز و در نتیجه با بنیاد الهی وحی قرار دارد.

٤. تأویل قرآن و نقد ادعای فرقه ذکریه

یکی از حوزه‌های اصلی اختلاف میان فرقه ذکریه و مسلمانان، مسئله تأویل آیات قرآن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

است. بنابراین به صورت مجزا با تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. پیروان این فرقه مدعی‌اند که برخی از آیات قرآن توسط محمد مهدی اتکی تأویل شده و وی کشف حقایق و معانی حقیقی قرآن را بر عهده داشته است. این ادعا از منظر دینی، علمی و تاریخی فاقد وجاهت است و با آموزه های وحیانی و سنت پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع) در تضاد است.

٤-١. مفهوم تأویل در قرآن

واژه «تأویل» در قرآن کریم دارای استعمالات متعددی است و معمولاً در دو سطح اصلی به‌کار رفته است:

۱. تأویل واقعی و عینی: که به تحقق و آشکار شدن حقایق در عالم خارج اشاره دارد، مانند رؤیاهای صادقه که مفاهیم و پیام هایی حقیقی را به انسان انتقال می‌دهند. نمونه آن رؤیای حضرت یوسف (ع) است:

«يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا» (یوسف، ۱۰۰)

در این آیه، تأویل به معنای تحقق و آشکارسازی واقعیت بیرونی است.

۲. تأویل ذهنی و تعبیر مفهومی: که به فهم و تعبیر انسان از مفاهیم الهی اشاره دارد، مانند وقتی زندانیان به حضرت یوسف (ع) فرمودند:

«نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهَا إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف،۳۶)

و یا در مورد معبران پادشاه مصر چنین آمده است:

«قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ» (یوسف، ۴۲).

بنابراین، تأویل هم شامل واقعیت‌های خارجی و عینی است و هم شامل معانی ذهنی و مفهومی. این تنوع در استعمال نشان می‌دهد که تأویل قرآن، تنها محدود به یک فرد معاصر نیست و فهم آن نیازمند معرفت کامل به وحی و سنت پیامبر و اهل بیت (ع) است (جوادی‌آملی، قرآن در قرآن، ۴۲۵).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

٤-۲. دیدگاه مفسران و علمای دینی

علامه طباطبایی بر این باور است که تأویل حقیقتی واقعی و عینی است کـه در تمـامی آیات قرآن یافت می‌شود و الفاظ قرآن تنها وسیله ای برای نزدیک کردن فهـم بشـر بـه آن حقایق اند. رابطه الفاظ قرآن با حقیقت تأویلی، مشابه رابطه مثال با مثل است؛ یعنـی الفـاظ اشاره‌ای به حقیقت دارند و خود حقیقت نیستند (طباطبایی، ۴۸۳/۳).

صالح زاده (ص ۳۸) نیز تأکید می‌کند که معارف و حقایق قـرآن در قالـب الفـاظ بیـان شده‌اند، اما ریشه و حقیقت آن‌ها به عالم دیگر متعلق است و الفاظ قرآن تنها برای تسـهیل فهم حقایق تأویلی به کار رفته‌اند.

٤-۳. آگاهان به تأویل قرآن

پیامبر اکرم(ص) نخستین و جامع‌ترین شخص در شناخت تأویل قرآن هستند:

«وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْکَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (النساء، ۱۱۳). پس از پیامبر، امـام علـی(ع) و سـایر ائمه معصومین (ع) مصداق کامل راسخان در علم هستند: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّـا اللَّـهُ وَالرَّاسِـخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران، ۷). روایات متعدد این مقام را تأیید می‌کنند؛ رسول اکرم(ص) به عنـوان افضل آگاهان به تأویل معرفی شده و پس از ایشان اوصیای آن حضـرت، آگاهـان کامـل بـه تنزیل و تأویل قرآن‌اند (کلینی، ۲۱۳/۱). امام صادق (ع) نیز می‌فرمایند: «راسـخان در علـم، امیرالمؤمنین و ائمه بعد از ایشان هستند» (لاهیجی، ۲۹۹/۱). مجلسی نیز آورده است که، امام علی (ع): «رسول خدا و اهل بیت ایشان، راسخان در علم هستند و سایر مردم مأمورند بـرای شناخت تأویل به آنان مراجعه کنند» (مجلسی، ۱۰۰/۸۹). همچنین امام صادق (ع) به نقـل از امام باقر (ع) فرمودند: دانش راسخان در علم، دچار اختلاف و ناهماهنگی نمـی‌شـود و ایـن مصداق در مورد پیامبر و اوصیای ایشان صدق می‌کند (حویزی، ۱/ ۳۱۳).

بنابراین بر پایه‌ی این شواهد قرآنی و روایی، روشن می‌شود که تأویل قرآن نه امری در دسترس همگان، بلکه معرفتی قدسی و اختصاصی است که تنها از طریق وحـی و عصـمت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

قابل تحقق است. تعبیر «الراسخون فی العلم» در سیاق آیه، بر ثبات، عمق و مصونیت معرفت ایشان از خطا و تزلزل دلالت دارد؛ بدین معنا که علم آنان از سنخ الهی و برآمده از اتصال وجودی به منبع وحی است، نه حاصل کوشش عقلانی یا تجارب فردی.

از این منظر، امامان معصوم(ع) نه تنها مفسران ظاهری قرآن، بلکه حاملان و شارحان لایه های باطنی و تأویلی آن‌اند. در واقع، تأویل نزد آنان استمرار جریان نبوت در سطح معرفت است؛ یعنی همان علم لدنّی که با ختم نبوت در قالب امامت تداوم می یابد. در مقابل، هر ادعا درباره‌ی دستیابی به تأویل بدون برخورداری از این اتصال الهی، نوعی مصادره‌ی مفهوم «راسخون فی العلم» و انحراف از منطق معرفتی قرآن به شمار می‌رود. تأویل در این معنا نه تفسیر شخصی، بلکه کشف باطنی حقیقت وحی است؛ حقیقتی که جز برای اولیای الهی که علم و عمل‌شان از خطا مصون است، قابل دریافت نیست.

٤-٤. نقد ادعای فرقه ذکریه

ادعای محمد مهدی اتکی و پیروان فرقه ذکریه مبنی بر «علم به تأویل» و «کشف حقایق باطنی قرآن» در تعارض بنیادین با مبانی قرآنی و روایی قرار دارد. تأویل در اصطلاح قرآنی نه صرفاً تفسیر یا شرح ظاهری، بلکه حقیقتی الهی و متعالی است که بر ساحت غیب و واقعیت نهایی امور دلالت دارد و بر اساس تصریح آیات، ادراک آن تنها در قلمرو «الراسخون فی العلم» یعنی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) ممکن است (آل عمران، ۷). در روایات اهل بیت (ع) نیز تأویل به عنوان «علم الهی» معرفی شده است که جز با افاضه ربانی و ارتباط با منبع وحی حاصل نمی‌شود (کلینی، ۲۱۳/۱).

از این منظر، هرگونه ادعای دستیابی مستقیم به تأویل بدون برخورداری از مقام نبوت یا امامت، نوعی تجاوز معرفتی و خروج از ضوابط وحیانی تلقی می‌شود. افزون بر این، از حیث معرفت شناختی، تأویل مستلزم نوعی احاطه وجودی بر مراتب معنا و حقیقت قرآن است؛ امری که تنها برای انسان کامل – یعنی پیامبر و اوصیای او – میسّر است

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

(طباطبایی،۶۵/۳). بنابراین، ادعای ذکریه مبنی بر کشف حقایق غیبی قرآن نه تنها از حیث نصوص دینی مردود است، بلکه از لحاظ منطقی و معرفتی نیز فاقد پشتوانه است، زیرا علم تأویل مستلزم عصمت، طهارت باطنی و اتصال به منبع وحی است؛ ویژگی‌هایی که در هیچ انسان عادی یا رهبر فرقه‌ای قابل تحقق نیست.

بر این اساس، ادعای فرقه ذکریه را می‌توان نوعی «تأویل گرایی خودبنیاد» دانست که با تکیه بر تجربه‌های شخصی و برداشت‌های باطنی، به نوعی از «تأویل عرفی و خودمحور» رسیده است. این نوع تأویل، نه بر روش عقلی و نقلی معتبر، بلکه بر شهود فردی استوار است و در نتیجه از معیارهای اعتبار دینی و معرفتی فاصله دارد (هوشنگ، ۳۰).

در یک جمع بندی می‌توان گفت که ادعای فرقه ذکریه درباره دسترسی مستقیم به تأویل قرآن، بیش از آنکه ریشه در مبانی معرفتی و وحیانی داشته باشد، ناشی از نوعی خودآگاهی کاذب و تجربه گرایی فردی است که در طول تاریخِ اندیشه دینی، بارها به صورت جریان‌های باطنی و تأویل‌گرای افراطی بروز یافته است. چنین نگرشی، با نادیده گرفتن سلسله مراتب معرفت دینی و جایگاه پیامبر و ائمه در تبیین حقایق وحی، در نهایت به فروکاست معنای تأویل از حقیقت الهی به برداشت شخصی می‌انجامد و بدین سان، مرز میان معرفت قدسی و تجربه بشری را مخدوش می‌سازد.

۵. نتایج مقاله

نتایج این پژوهش را می‌توان در چند محور اساسی به‌صورت زیر جمع‌بندی کرد:

۱. بررسی‌های تاریخی و اعتقادی نشان داد که فرقه ذکریه، به‌ویژه در مناطق بلوچستان ایران و شبه‌قاره هند، در بستر تعامل آموزه‌های تصوف، اسماعیلیه و عناصر فرهنگی بومی شکل گرفته و به‌تدریج نظامی اعتقادی متمایز از چارچوب‌های پذیرفته‌شده در اسلام اصیل پدید آورده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

۲. تحلیل محتوای آموزه‌های ذکریه بیانگر آن است که این فرقه در مواجهه با قرآن کریم، به قرائت‌های تأویلی خاصی روی آورده که در آن مفاهیم بنیادینی همچون «محمد» و «مقام محمد»، به‌جای ارجاع به پیامبر اکرم(ص)، بر شخصیت «محمد مهدی اتکی» و مکان‌های منتسب به این جریان تطبیق داده می‌شود؛ امری که با ظاهر آیات و مبانی تفسیری معتبر ناسازگار است.

۳. نتایج تحلیل‌های قرآنی و روایی نشان داد که تأویل قرآن در اندیشه اسلامی، حقیقتی الهی و وابسته به علم و عصمت پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع) است؛ ازاین‌رو، ادعای ذکریه مبنی بر دستیابی مستقل به تأویل قرآن، فاقد پشتوانه نقلی و عقلی معتبر بوده و از منظر معرفت‌شناختی قابل دفاع نیست.

۴. برآیند نهایی پژوهش حاکی از آن است که نگرش ذکریه به قرآن، مبتنی بر تأویلات شخصی و غیرمستند بوده و از انسجام درونی، مبنای علمی و پیوند با سنت تفسیری معتبر اسلامی برخوردار نیست؛ امری که آن را در تعارض با معیارهای پذیرفته‌شده فهم وحی در اندیشه اسلامی قرار می‌دهد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آراسته، حسین جوان، درسنامه علوم قرآنی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۷.
۳. اسعدی، محمد و حسینی، سید محمود طیب، پژوهش در محکم و متشابه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۴. آسیابادی، احتشام الحق، ماهی الذکریه (ذکری‌ها را بشنایم)، ترجمه محمد ابراهیم دامنی، ایرانشهر، بی‌نا، ۱۳۷۰.
۵. امین، سید نصرت، مخزن العرفان، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
۶. بجارانی، بزنجو، نور تجلی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷. بدل خان، بلوچستان مین مهدی تحریک، کراچی، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۸. بلوچ شهزاد، محمدایوب، ثنای مهدی، کراچی، [بی‌نا]، ۱۹۷۲.
۹. بلوچ، عبدالحق، ذکر مسئله، لاهور، انتشارات مطبعه دالعروبه، ۱۹۹۲.
۱۰. همو، ذکری فرقه کی تاریخ، کراچی، آل پاکستان، مسلم ذکری انجمن، ۱۹۹۶.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، حقیقت و تأثیر اعجاز، قم: اسراء، ۱۳۹۴.
۱۲. همو، قرآن در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۳. همو، همتایی قرآن و اهل‌بیت، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹.
۱۴. حسین‌زاده، صالح و عبدالله جعفری، مقاله حقیقت تأویل در قرآن از منظر علامه طباطبایی، مجله اندیشه علامه طباطبایی، شماره ۱۰، ۱۳۹۳.
۱۵. حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۲.
۱۶. حیدری‌نسب، محمدباقر، اندیشه‌های سلفی‌گری در استان سیستان و بلوچستان، قم، آشیانه مهر، ۱۳۹۱.
۱۷. خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن. نجف اشرف، المطبعة العلمیة، ۱۳۷۴.
۱۸. سجادی، زین العابدین. نقد و بررسی افکار و آراء فرقه ذکریه، قم، بی‌نا، ۱۳۹۹.
۱۹. سرافرازی، عباس، فرقه مذهبی ذکری‌ها در بلوچستان، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۰.
۲۰. شاکر، محمدکاظم، روش‌های تأویل قرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۱. شودری، محمدکبیر احمد، فرق الهند المنتسبة للإسلام فی القرن العاشر الهجری و آثارها فی العقیده، دراسة و نقدا، [بی‌جا]، دار ابن الجوزی. [بی‌تا].
۲۲. هوشنگ، شاهاز، زمینه‌های عمومی مذهب ذکریسم به مثابه صوفی گری عامیانه در بلوچستان، لندن، انجمن تحقیقی و فرهنگی بلوچ، ۱۹۹۱.
۲۳. شوهاز، هوشنگ، زمینه‌های عمومی مذهب ذگریسم در بلوچستان، [بی جا]، [بی‌نا]، ۱۹۹۱.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح، علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
۲۵. لاریمر، جان گوردون، السجل التاریخی للخلیج و عمان و أواسط الجزیرة العربیة، تحقیق دانشگاه سلطان قابوس، دار غارنت للنشر، ۱۹۹۵.
۲۶. لاهیجی، بهاء الدین، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳.
۲۷. لدیانوری، محمدیوسف، پژوهشنامه تاریخ اسلام، کراچی، جامعه العلوم اسلامیه، ۱۹۹۰.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
۲۹. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۹.
۳۰. مودب، سیدرضا، اعجاز قرآن، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم انسانی، ۱۳۸۶.
۳۱. ندوی، ابوالحسن علی، رجال الفکر و الدعوة فی الإسلام، دمشق، دار ابن کثیر، [بی‌تا].

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]